

تأثیر ویژگی های حسابرس مستقل و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت

اکبر اصغر حسنی^۱

داوود گرجی زاده^{۲*}

مریم صفرپور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی های حسابرس مستقل و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است. داده های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک اطلاعاتی «ره آورد نوین» استخراج شده است. به منظور نیل به این هدف ۹۳۱ سال-شرکت (۱۳۳ شرکت برای هفت سال) مشاهده جمع آوری شده از گزارشات مالی سالیانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد آزمون قرار گرفته اند. جهت آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی استفاده گردید. با استفاده از داده های ترکیبی می توان به دو روش، مدل های رگرسیونی را تخمین زد (تلفیقی و پانل). به منظور تعیین روش تخمین از آزمون F لیمر استفاده گردید و در صورت استفاده از روش پانل، می توان به یکی از دو صورت مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی انجام گیرد که به منظور تشخیص نوع مدل، از آزمون هاسمن استفاده گردید. یافته های پژوهش نشان می دهد ویژگی های حسابرس مستقل و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی

ویژگی های حسابرس مستقل، کمیته حسابرسی، ایجاد ارزش شرکت

۱- کارشناس ارشد حسابرسی، موسسه آموزش عالی ناصرخسرو، ساوه، ایران. (asgharhasani.a@hnhk.ac.ir)

۲- مدرس، موسسه آموزش عالی ناصرخسرو، ساوه، ایران. (d.gorgizade@hnhk.ac.ir*)

۳- مدرس، موسسه آموزش عالی ناصرخسرو، ساوه، ایران. (m.safarpoor@hnhk.ac.ir)

مقدمه

ارزش از دیدگاه سهامداران از اهمیت زیادی برخوردار است. سهامداران عمدتاً در آینده شرکتها و بنگاه های اقتصادی سرمایه گذاری می کنند و از اینرو عواملی که بیانگر سودآوری مستمر و رشد پایدار شرکت باشد می تواند معیار مناسب ارزش برای آنان باشد. از نظر سهامداران، ارزش آفرینی یا ایجاد ارزش به مفهوم ساده یعنی ایجاد منافع حاصل از سرمایه گذاری بیش از هزینه سرمایه به کار گرفته شده. البته در شرایط پرقابته کسب و کار باید به مفهوم هزینه فرصت از دست رفته نیز توجه کرد، یعنی باید دید سرمایه گذار اگر سرمایه خویش را برای استفاده از سایر فرصتها و با ریسک یکسان به کار می گرفت چقدر می توانست بازده نسبت به سرمایه به کار گرفته شده به دست آورد. بدیهی است که اگر ما نتوانیم به سهامدارانمان در قیاس با رقبای خویش بازده بهتری بدهیم انتظار سهامدار را برآورده نکرده ایم. به بیان دیگر آنگاه می توانیم برای سهامداران ارزش ایجاد کنیم که مزیت نسبی رقابتی ایجاد کرده باشیم (غلامی، ۱۳۹۰).

ایجاد ارزش یک دیدگاه مشترک (پارادایم) جدید کسب و کار در شرایط رقابتی است و با ورود به هزاره سوم معنی و مفهوم جدیدی یافته است. به طوری که موفقیت شرکت ها بدان وابسته شده است. اهمیت ارزش آفرینی، موجب گردیده است که در ادبیات مالی به شکل گسترده از نظر کمی و کیفی توجه خاص شود و پژوهش های متعددی در این قلمرو انجام شده است. تبیین موضوع، مبتنی بر تفکر جدید مدیریتی در کسب و کار است. این تفکر تحت عنوان مدیریت مبتنی بر ارزش شناخته شده است. مدیریت مبتنی بر ارزش، به عنوان تفکر نوین سازندگی از طریق ارزش آفرینی در کسب و کار است که نقش مؤثر و تعیین کننده ای در موفقیت یا شکست شرکت ها دارد. اساس این تفکر، این است که مدیریت شرکت باید بدانند و بیاموزد که همه تصمیمات می بایست در جهت ارزش آفرینی اتخاذ گردد. تفکر مبتنی بر ارزش، موجب می شود که فرهنگ ارزش آفرینی در شرکت شکل گیرد و بستر مناسبی برای تداوم ارزش آفرینی فراهم گردد (غلامی، ۱۳۹۰).

به عقیده بیور (۱۹۸۹) هدف اصلی اطلاعات حسابداری کمک به کاربران جهت تصمیم گیری آگاهانه است. کمیت و کیفیت اطلاعات حسابداری بر قضاوت سرمایه گذاران در رابطه با ارزش ذاتی شرکت مؤثر است. بر همین اساس اطلاعات حسابداری در رابطه با تعیین اینکه قیمت سهام شرکت بیشتر از ارزش واقعی است یا خیر، منبع اطلاعاتی ضروری است. اولسون (۲۰۰۵) مدل منعکس کننده رابطه بین اطلاعات حسابداری و ارزش شرکت را ایجاد کرد. کیفیت گزارشگری مالی یک عامل بسیار مؤثر در انعکاس عملکرد شرکت و ارزش ایجاد شده سهامداران است؛ بنابراین انتظار می رود که تمام شرکتها ارزش ایجاد شده سهامداران را به بهترین شیوه انعکاس دهند. با این حال برخی شرکتها تمایل دارند وضعیت نامطلوب را به گونه ای دیگر نشان دهند. ارائه اطلاعات جذاب برای همه سهامداران، سرمایه گذاران را به سرمایه گذاری در شرکت علاقه مند می کند (حسن و احمدی، ۲۰۱۲). در نتیجه به افزایش ارزش ایجاد شده سهامداران از طریق افزایش کیفیت گزارشگری مالی، توجه ویژه ای می شود. ضعف های بالقوه در کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد (یامچی و همکاران، ۲۰۱۳). فرآیند تهیه صورت های مالی به چند عامل وابسته است. این عوامل شامل: کیفیت حسابرس، تجربه اعضا کمیته حسابرسی، کیفیت بالای استانداردهای حسابداری و ویژگی های مدیریت است

- 1- Value Based Management (VBM)
- 2- Beaver
- 3- Ohlson
- 4- Hassan and Ahmed

(کراجا و همکاران، ۲۰۱۷). کاهش هر یک از چهار عامل منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه تأثیر منفی بر ارزش ایجاد شده سهامداران و درآمد می شود. سهامداران به تجزیه و تحلیل صورت های مالی وابسته هستند و کیفیت حسابرسی برای ارزیابی کیفیت سود افشاشده و اینکه آیا این اطلاعات درآمد واقعی را نشان می دهند یا خیر، اطلاعات مفیدی را ارائه می دهد. علاوه بر این پیش بینی صحیح قیمت سهام و سودهای شرکت هم به کیفیت حسابرسی بستگی دارد (پنمن و همکاران، ۲۰۰۲)؛ بنابراین انتظار می رود که کیفیت بالای حسابرسی بر ارزش آفرینی شرکت تأثیر مثبتی داشته باشد.

حسابرسان مستقل می توانند به عنوان یک سازوکار با اهمیت خارجی حاکمیت شرکتی، با اطمینان دادن به سهامداران در مورد کیفیت صورت های مالی تهیه شده، هزینه های نمایندگی را کاهش داده و به سهامداران این امکان را بدهند که بر مبنای صورت های مالی حسابرسی شده قراردادهایی دقیق، روشن و کارا با مدیران تنظیم نمایند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). اجرای حسابرسی توسط حسابرسان مستقل نقش بسیار مهمی در بهبود کیفیت افشای اطلاعات مالی و قابلیت اتکای آن دارد (فرگوسن، ۲۰۰۴). در سال های اخیر، کیفیت افشا به یکی از مهم ترین سازوکارهای راهبری شرکتی تبدیل شده است. سرمایه گذاران به اطلاعات مربوط و قابل اتکا نیاز دارند و یکی از تأمین کنندگان این نیاز، حسابرسان مستقل هستند. از این رو، حسابرسی مستقل به عنوان مهم ترین سازوکار افشای مطلوب اطلاعات شناخته می شود. البته باید به این نکته مهم توجه داشت که کیفیت مؤسسه های حسابرسی عامل مهمی در اعتبار بخشی به صورت های مالی است و بر میزان سودمندی و مفید بودن حسابرسی انجام شده مؤثر است. جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶) عنوان کردند که به منظور کسب اعتماد اعتبار دهندگان و سهامداران، سهامداران مدیریتی به منظور نظارت و جلوگیری از فعالیت های کاهنده ارزش شرکت از خدمات حسابرسان مستقل استفاده خواهند کرد. نقش کیفیت حسابرسی کمک به حداقل کردن عدم تقارن اطلاعاتی است (الداود، ۲۰۱۵)؛ بنابراین بررسی تأثیر ویژگی های حسابرس و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت مسئله مهمی برای سهامداران، مدیران و همچنین دولت یا نظام های نظارتی (جهت تدوین قوانین اثربخش در راستای اجرای حسابرسی با کیفیت بالا) و همچنین سایر ذینفعان (اتخاذ تصمیم های سرمایه گذاری و تخصیص مناسب سرمایه) است. حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی می توانند به عنوان سازوکارهای حاکمیت شرکتی، با اطمینان دادن به سهامداران در مورد کیفیت صورت های مالی تهیه شده، هزینه های نمایندگی را کاهش داده و به سهامداران این امکان را بدهند که بر مبنای صورت های مالی حسابرسی شده قراردادهایی دقیق، روشن و کارا با مدیران تنظیم نمایند و شرکت را به سمت ایجاد ارزش برای شرکت سوق دهد.

بر اساس تئوری سهامداران، هدف اصلی شرکت کسب سود، افزایش ثروت سهامداران و ارزش آفرینی یا ایجاد ارزش است. فیلیپس^۷ (۲۰۰۶) بیان می کند که ارزش آفرینی هدفی است که منجر به برانگیخته شدن اقدامات شرکت می شود به عبارت دیگر هیچ شکی وجود ندارد که افزایش ارزش آفرینی محرک شرکت است. با توجه به این امر که ثروت عبارت است از حفظ و افزایش قدرت خرید و سرمایه گذاری در بلندمدت و ارزش عبارت است از خلق ثروت و از آنجا که سهامداران آخرین ذینفعان شرکت می باشند و در صورت افزایش نیافتن ثروت ایشان منافع سایر ذینفعان نیز در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

5- Karajeh

6- Penman and Zhang

7- Philips

از سوی دیگر، کیفیت حسابداری و حسابرسی یک عامل بسیار مؤثر در انعکاس عملکرد شرکت و ارزش ایجادشده سهامداران است؛ بنابراین انتظار می‌رود که تمام شرکت‌ها ارزش ایجادشده سهامداران را به بهترین شیوه انعکاس دهند. با این حال برخی شرکت‌ها تمایل دارند وضعیت نامطلوب را به گونه‌ای دیگر نشان دهند. ارائه اطلاعات جذاب برای همه سهامداران، سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در شرکت علاقه‌مند می‌کند (حسن و احمد، ۲۰۱۲). نظریه نمایندگی بیان می‌کند که ویژگی حسابرس یک قسمت مهم به منظور اطمینان از این امر که مدیران شرکت به منظور افزایش ارزش سهامداران فعالیت می‌کنند. نقش حسابرسی کمک به حداقل کردن عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش مشکلات نمایندگی است (الدواد، ۲۰۱۵). با توجه به مفهوم حاکمیت شرکتی و مسائل مرتبط با آن و تلاش در جهت ارائه پاسخی منطقی به این سؤال که آیا حسابرسان مستقل، کمیته حسابرسی، ارزش افزوده ای برای شرکت دارد یا نه پژوهشگران به تعدادی از تئوری‌ها، از جمله تئوری نمایندگی و تئوری مباشرت متوسل شده‌اند. استدلال اصلی تئوری مباشرت این است که مدیران اجرایی بهترین مباشران شرکت هستند و از اینرو، حسابرسان مستقل، کمیته حسابرسی، برای شرکت ارزش افزوده به همراه خواهد داشت (دونالدسون و دیویس، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵)؛ بنابراین بررسی تأثیر حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش مسئله مهمی برای سهامداران، مدیران و همچنین دولت یا نظام‌های نظارتی (جهت تدوین قوانین اثربخش در راستای اجرای حسابرسی با کیفیت بالا) و همچنین سایر ذینفعان (اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص مناسب سرمایه) است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

حسابرسان مستقل، به دلیل ارائه خدمات حسابرسی، نقش مهمی در جهت حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند. گزارش‌های حسابرسی، یکی از مواردی است که به عنوان راهنمای سرمایه‌گذاران، در هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و کیفیت پایین این گزارش‌ها، می‌تواند به تخصیص نامناسب منابع در جامعه منجر شود. ایفای نقش، به عنوان حافظ منافع جامعه، مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحب کار خود، مستقل باقی بماند. درحقیقت، کیفیت و اعتبار گزارش حسابرسی، به میزان استقلال حسابرس از صاحبکار خود بستگی دارد؛ اما در عمل، نفوذ مدیریت شرکت مورد رسیدگی، بر مسائل مربوط به انتخاب و ارائه‌ی اطلاعات به حسابرس، به همراه انگیزه‌های بالای مدیریت برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا عبور از آن‌ها، موانع مهمی بر سر راه مستقل باقی ماندن حسابرسان محسوب می‌شوند.

ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در ابتدای قرن حاضر، موجب شد تا موضوع قابلیت اتکای صورت‌های مالی، مورد توجه افکار عمومی واقع شود. با این که مسئولیت اصلی تهیه‌ی صورت‌های مالی دقیق و عاری از خطا و اشتباه به عهده‌ی هیات مدیره‌ی شرکت‌ها است؛ اما این ورشکستگی‌ها، سوال‌های زیادی درباره‌ی کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسان به وجود آورد. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در تلاش هستند تا از طریق وضع قوانین مؤثر بر استقلال حسابرسان، کیفیت حسابرسی را افزایش دهند. (لاونسون و همکاران، ۲۰۰۷).

کمیته حسابرسی، مسئولیت نهایی نظارت بر کلیه‌ی فعالیت‌های مالی شرکت را بر عهده دارد. منظور از اعضای غیرموظف کمیته حسابرسی، اعضای است که در عین عضویت در واحد اقتصادی، در آن مسئولیت اجرایی یا عملیاتی ندارند. انتخاب اعضای کمیته از خارج سازمان، استقلال اعضای کمیته را افزایش می‌دهد. تماس‌های کمیته حسابرسی با حسابرسان، اطلاعاتی به هنگام درباره‌ی وضعیت مالی واحد اقتصادی و نیز اطلاعات لازم برای ارزیابی کارایی و دست

کاری مدیریت در اختیار هیئت مدیره واحد اقتصادی می گذارد (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۷۸).

از جمله وظایف کمیته حسابرسی، کمک به انتخاب حسابرسان، مدیریت فرایند کار حسابرسی، بررسی مجدد نتایج حسابرسی، کمک به هیئت مدیره در درک بهتر نتایج حسابرسی و همکاری با مدیریت و حسابرسان مستقل در حل مشکلات کنترل داخلی یا نقاط ضعف مشخص شده طی عملیات حسابرسی است. در صورتی که کمیته حسابرسی به طرز صحیح سازماندهی شود و مورد استفاده قرار گیرد، می تواند برای تمام گروه های علاقه مند منافع چشم گیری داشته باشد. کمیته حسابرسی می تواند وظیفه ی مباشرت گزارشگری هیئت مدیره را تقویت کند، همچنین می تواند ارتباط بین حسابرسان مستقل و مدیریت را بهبود بخشد و میزان استقلال حسابرسان را از طریق خدمت کردن به عنوان سپر بین حسابرسان و مدیریت افزایش دهد. کمیته حسابرسی به مودیان و اعتبار دهندگان کمک می کند تا مطمئن شود که منافع آنها در اثر انجام حسابرسی به حداکثر می رسد (ویلسون و همکاران، ۲۰۰۰).

هدف کمیته حسابرسی کمک به هیات مدیره در ایفای مسئولیت آنان در رابطه با: (۱) درستی صورتهای مالی شرکت (۲) رعایت الزامات قانونی و مقررات توسط شرکت (۳) صلاحیتها و استقلال حسابرسان مستقل (۴) عملکرد وظیفه حسابرسی داخلی شرکت و استقلال آن است. کمیته حسابرسی همچنین در رعایت مقررات کمیسیون بورس اوراق بهادار باید گزارشی تهیه و به همراه مجموعه گزارش سالیانه شرکت ارائه میدهد. با توجه به موارد ذکر شده می توان گفت که کمیته حسابرسی با انتخاب حسابرسان می تواند نقش مهمی در بررسی ها و کیفیت حسابرسی داشته باشد.

هردارایی اعم از مالی یا واقعی ارزشی دارد. عامل کلیدی در موفقیت در سرمایه گذاری و مدیریت دارایی ها درک ارزش و منابع اثرگذار بر ارزش آن دارایی است. تمام دارایی ها را میتوان ارزشیابی کرد اما ارزشیابی بعضی داراییها ساده تر و بعضی پیچیده تر است. اسکاروایلد میگوید قیمت همه چیز را میدانیم اما ارزش آن را نمیدانیم فرض زیربنایی در سرمایه گذاری این است که در سرمایه گذاری نباید مبلغی بیش از ارزش آن پرداخت کرد (موسوی و همکاران ۱۳۹۸). ارزش هر دارایی تابعی از جریانهای نقدی است که آن دارایی ایجاد میکند. قاعده ارزش فعلی شاید سابقه ای بیش از هزارسال داشته باشد؛ اما اولین جدول نرخ بهره به زعم پاکر (۱۹۶۱) برای اولین بار توسط پرانسیسکو بالودچی پگولوتی از تجار و سیاستمداران فلورینتینا تهیه شد. برای اولین بار استیون کتاب ریاضیات مالی را در سال ۱۸۲۵ نوشت و جداول ارزش فعلی را به جداول آن پیوست کرد. قاعده ارزش فعلی مرهون زحمات ریاضیدانان و بازرگانان آن زمان بود. رشد خط آهن در ایالات متحده طی نیمه دوم قرن نوزدهم باعث شد تا تحلیلهای بلند مدت برای سرمایه گذاران معنی دار شود. ویلینگتون یکی از مهندسين شهر سازی بود که به اهمیت ارزش زمانی پول پی برد. وی متوجه شد که باید ارزش فعلی پروژه ها را با هزینه های سرمایه گذاری آنها مقایسه نمود او به پیروی از والتر پنل (از مهندسين سلوت و سترن) معادله ارزش فعلی را توسعه داد و برای بررسی نصب ماشین آلات جدید یا نگهداری از ماشین آلات فعلی بکار گرفت. بعد ها مبانی بنیادین تنزیل جریان های نقدی توسط آلفرد مارشال و بام باورک در اوایل قرن بیست و یکم مطرح گردید. اولین بار بام باورک (۱۹۰۳) با مثالی روشن نحوه محاسبه ارزش فعلی را برای خرید یک واحد مسکونی ارائه کردند. در همان سالها اصول ابتدائی برای ارزشیابی مدرن توسط اروینگ فیش در کتاب های معروف وی به نامهای نرخ بهره (۱۹۰۷) و تئوری بهره (۱۹۳۰) پایه ریزی شد. بلدینگ (۱۹۳۵) برای سرمایه گذاری ها نرخ بازده داخلی را بدست آورد و کیتز (۱۹۳۶) مفهوم کارایی نهایی سرمایه را با انجام عملیات تنزیل معرفی کرد. ساموئلسن (۱۹۳۷) تفاوت بین نرخ بازدهی داخلی و ارزش فعلی خالص را مورد توجه قرارداد و نتیجه گرفت که باید ارزش فعلی خالص را حداکثر کرد تا سرمایه گذاری مطلوبتر شود. طی ۵۰ سال گذشته محققان زیادی بر روی عوامل موثر بر ارزشیابی تحقیق

کرده اند. نتایج در ۴ جمله زیر خلاصه می شود. ۱- جریان های نقدی ناشی از دارایی ها باید براساس نرخ تنزیلی بدست آید که مبتنی بر ریسک آن دارایی باشد ۲- این جریان های نقدی باید در شرایط اطمینان کامل برآورد شوند ۳- شرایط اهرمی (بدهی) و غیر اهرمی باید مد نظر گرفته شود یعنی رویکرد ارزش فعلی باید تعدیل شود. ۴- ارزش تابعی از بازده مازاد یا سود باقیمانده است.

پیشینه داخلی

فریدنیا و اسکندرپور (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر عامل رفتاری اعتماد بنفس بیش از حد مدیران سازمان ها بر ارزش آفرینی و ریسک بازده سهام» به این نتیجه رسیدند که وجود اطمینان بیش از حد مدیریت تاثیری منفی و معنادار بر ریسک بازدهی سهام داشته و با وجود اطمینان بیش از حد مدیریت (بر اساس هر دو معیار بررسی شده) ریسک بازده سهام کاهش معنادار یافته است. دیگر نتایج نشان می دهد که وضعیت شرکت های نوآورانه دارای اطمینان بیش از حد مدیریت نتوانسته است تاثیر گذاری معناداری بر ریسک بازده سهام داشته باشد و تفاوت معناداری بین ریسک بازده سهام شرکت های نوآورانه دارای اطمینان بیش از حد مدیریت و دیگر شرکت ها وجود ندارد.

حاجی ابراهیمی و اسکندر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک پذیری و عملکرد شرکت» از طریق اطلاعات ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به این نتیجه رسیدند که بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک پذیری و عملکرد شرکت تاثیر معناداری ندارد.

جامی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» از طریق اطلاعات ۱۱۹ شرکت در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی، ارتباط مثبت بین سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم (به صورت مشترک) با ارزش شرکت را تقویت می کند.

تحریری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت های با ارزش بالا» به این نتیجه رسیدند که شرکت های با ارزش بالا سطح اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند و کیفیت حسابرسی نیز بر این رابطه تاثیر گذار نیست. در این راستا می توان نتیجه گرفت که شرکت های پرازش به وضعیت عملکرد آتی خود اطمینان داشته و در نتیجه تلاش نمیکنند تا با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود نمایند. بعلاوه حسابرسی با کیفیت بیشتر نیز اثر کاهشی معنی داری بر سطح مدیریت سود این شرکت ها ندارد.

اسدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تاثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکت های دارویی و غیردارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» از طریق تحلیل اطلاعات ۲۴ شرکت دارویی و ۸۰ شرکت غیر دارویی در طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ به این نتیجه رسیدند که ابعاد اقتصادی، قانونی و اخلاقی مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش آفرینی شرکت ها دارد.

کریمی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تاثیر ویژگی های شرکتی بر ارزش آفرینی شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» از طریق تحلیل اطلاعات ۹۴ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به این نتیجه رسید که نرخ بازده دارایی ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بر ارزش آفرینی شرکت تاثیر مثبت و معناداری دارند.

پیشینه خارجی

سری و سلیمون (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «رابطه ویژگی های حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت» از طریق تحلیل اطلاعات ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار جاکارتا در طی دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ به این نتیجه رسیدند که ویژگی های حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند.

آلسوبا (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی رابطه ارزش افزوده اقتصادی و ارزش ایجاد شده سهامداران در شرکت های صنعتی اردن در مقایسه با بازده دارایی و همچنین برتری احتمالی متغیر ارزش افزوده اقتصادی نسبت به بازده دارایی به منظور توضیح تغییرات ارزش سهامداران بررسی کرد. در پژوهش وی، ارزش ایجاد شده سهامداران با استفاده از دو مدل اندازه گیری می شود. مدل فرناندز و مدل ارزش افزوده بازار. رگرسیون چندگانه و ساده در این مطالعه مورد استفاده قرار می گیرد. نتایج نشان می دهد که ارزش افزوده اقتصادی به منظور پیش بینی و ارزیابی تغییرات ارزش سهامداران نسبت به بازده دارایی ها برتری دارد.

هال (۲۰۱۶) در پژوهشی به این نتیجه رسید که ارزش افزوده بازار نسبت به بازده بازار تعدیل شده شاخص بهتری در توضیح ارزش ایجاد شده سهامداران است. همچنین معیارهای مبتنی بر حسابداری مانند بازده سهام و سود تقسیمی نسبت به معیارهای اقتصادی مانند ارزش افزوده اقتصادی در توضیح ارزش ایجاد شده سهامداران قوی تر هستند. همچنین وی دریافت برای هر صنعت، یک مجموعه معیار منحصر به فرد جهت تعیین ارزش ایجاد شده سهامداران وجود دارد. گوپتا و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی دریافته اند که ارزش افزوده اقتصادی نسبت به معیارهای سنتی حسابداری در تجزیه و تحلیل ارزش ایجاد شده سهامداران برتری دارد. همچنین یافته های آنان نشان می دهد که ارزش افزوده اقتصادی برای ارزیابی عملکرد نیز نسبت به معیارهای سنتی برتری دارد.

فرضیه

فرضیه اصلی:

۱- ویژگی های حسابرسان مستقل بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

۲- ویژگی های کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

فرضیه فرعی

۱- حق الزحمه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

۲- اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

۳- تخصص حسابرسان در صنعت بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

۴- استقلال کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

۵- تخصص مالی کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می نماید. جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است

که طی یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفت و برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شد و شرکت های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف شدند.

۱. سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت در دوره بررسی تغییر سال مالی نداشته باشد.
۲. شرکتهای تحت بررسی جزء شرکتهای سرمایه گذاری، هلدینگ و واسطه گری مالی نباشند.
۳. اطلاعات و داده های آنها در دسترس باشد.
۴. معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد. داده های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک اطلاعاتی «ره آورد نوین» استخراج شده است.

بنابراین تعداد ۱۳۳ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند که ۹۳۱ سال شرکت را شامل می شود. در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه ای، نرم افزار ((ره آورد نوین)) و سایت اینترنتی ((مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار)) گردآوری شده است. جمع آوری اطلاعات از تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام می شود. در بخش آمار توصیفی از شاخص های مرکزی میانگین و میانه و شاخص پراکندگی انحراف معیار استفاده شده است و در بخش آمار استنباطی، جهت آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی استفاده گردید. با استفاده از داده های ترکیبی می توان به دو روش، مدل های رگرسیونی را تخمین زد (تلفیقی و پانل). به منظور تعیین روش تخمین از آزمون F لیمر استفاده گردید و در صورت استفاده از روش پانل، می توان به یکی از دو صورت مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی انجام گیرد که به منظور تشخیص نوع مدل، از آزمون هاسمن استفاده گردید. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها و استخراج نتایج پژوهش، از نرم افزارهای Excel و Eviews#10 استفاده می گردد.

برای آزمون فرضیه از مدل آماری زیر استفاده شده است:

به پیروی از سری سلیمون (۲۰۱۹) به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی زیر بهره گرفته می شود: رابطه (۱)

$$VC_{it} = \alpha + \beta_1 AFEE_{i,t} + \beta_2 INDSEPC_{i,t} + \beta_3 BIG_{i,t} + \beta_4 INDCOM_{i,t} + \beta_5 SEPCOM_{i,t} + \beta_6 LNNTA_{i,t} + \beta_7 LEVERAGE_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته:

ایجاد ارزش شرکت (VC): از طریق تقسیم تفاوت بین ارزش بازار سهام عادی و ارزش دفتری سهام عادی بر ارزش دفتری سهام عادی اندازه گیری می شود (تسنگ و همکاران، ۲۰۱۵).

متغیرهای مستقل:

حق الزحمه موسسه حسابرسی (AFEE): برای محاسبه ی آن از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی استفاده خواهد شد (نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹؛ رجبی و محمدی خوشنوی، ۱۳۸۷).

تخصص حسابرسی در صنعت (INDSPEC): در این پژوهش مشابه پژوهش صورت گرفته توسط اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) از سهم بازار به عنوان شاخصی برای تخصص حسابرسی در صنعت بهره گرفته می شود؛ زیرا الویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹). هرچه سهم بازار حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرسی نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار اشاره دارد به اینکه حسابرسی به طور موفقیت آمیزی خود را از سایر رقیبان از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز کرده است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹). سهم بازار حسابرسان به صورت زیر محاسبه می شود: رابطه (۲)

$$\text{سهم بازار حسابرسان} = \frac{\text{(مجموع دارایی های تمام صاحبکاران هر موسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص)}}{\text{(مجموع دارایی های تمام صاحبکاران در این صنعت)}}$$

موسساتی در این پژوهش به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از $\left[\frac{1}{2} \times (\text{شرکتهای موجود در یک صنعت}) / 1 \right]$ باشد، عدد یک برای آنها در نظر گرفته می شود. (پالم رز، ۱۹۸۶).
اندازه موسسه حسابرسی (BIG): اندازه ی موسسه حسابرسی یک متغیر ساختگی است. در صورتی که شرکت توسط موسسات حسابرسی درجه اول مورد رسیدگی قرار گرفته باشد برابر یک در غیر این صورت صفر.
استقلال کمیته حسابرسی (INDCOM): از طریق تقسیم تعداد اعضای مستقل (غیر موظف) کمیته حسابرسی بر تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی بدست می آید (سری و سلیمون، ۲۰۱۹).
تخصص مالی کمیته حسابرسی (SEPCOM): از طریق تقسیم تعداد اعضای دارای تخصص مالی (رشته حسابداری، مدیریت مالی، مهندسی مالی) کمیته حسابرسی بر تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی بدست می آید (سری و سلیمون، ۲۰۱۹).

متغیرهای کنترلی:

بازده دارایی ها (ROA): از طریق تقسیم سود خالص بر کل دارایی ها اندازه گیری می شود.
اندازه شرکت (SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی ها اندازه گیری می شود.
اهرم مالی (LEV): از طریق تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها اندازه گیری می شود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

در یک جمع بندی با استفاده مناسب از آمار توصیفی می توان ویژگی های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد. پارامترهای مرکزی و پراکندگی به همین منظور به کار می روند. کارکردهای این معیارها این است که می توان خصوصیات اصلی مجموعه ای از داده ها را به صورت یک عدد بیان کنند و بدین ترتیب افزون بر آن که به فهم بهتر نتایج یک آزمون کمک می کنند، مقایسه نتایج آن آزمون را با آزمون ها و مشاهدات دیگر نیز تسهیل می نماید.

جدول ۱: آمار توصیفی

نام متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکاثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ایجاد ارزش شرکت	931	۲.۸۶۱	۱.۹۳۴	۱۰.۷۴۷	-۰.۰۷۷	۲.۸۸۵	۱.۴۵۷	۴.۳۵۱
استقلال کمیته حسابرسی	931	۳.۵۶۴	۳	۱۱	۱	۲.۶۱۴	۱.۰۹۶	۳.۵۳۶
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	931	۰.۰۸۸	۰.۰۷۶	۰.۱۸۹	۰.۰۲۹	۰.۰۴۵	۰.۸۰۴	۲.۷۶۳
حق الزحمه موسسه حسابرسی	931	۰.۳۶۵	۰.۲۳۲	۱.۵۴۱	-۰.۰۲۶	۰.۴۱۶	۱.۳۷۹	۴.۲۵۹
بازده دارایی ها	931	۰.۱۳۳	۰.۱۱۲	۰.۳۹۵	-۰.۰۵۹	۰.۱۱۸	۰.۵۶۷	۲.۶۶۸
اهرم مالی	931	۰.۵۷۴	۰.۵۹۳	۰.۹۰۶	۰.۱۷۶	۰.۲۰۲	-۰.۲۸۶	۲.۲۳۱
اندازه شرکت	931	۱۴.۳۱۳	۱۴.۱۴۹	۱۹.۷۷۴	۱۰.۴۹۳	۱.۴۸۷	۰.۸۱۲	۴.۴۲۹
نام متغیر	نوع طبقه	فراوانی	درصد فراوانی					
تخصیص حسابرس در صنعت	1	۴۸۹	۵۲.۵					
	0	۴۴۲	۴۷.۵					
اندازه موسسه حسابرسی	1	۲۳۷	۲۵.۵					
	0	۶۹۴	۷۴.۵					

در جدول (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج نشان می دهد که در شرکت های مورد بررسی متوسط اهرم مالی ۰.۵۷۴ می باشد که نشان دهنده این است که تقریباً ۵۷.۴٪ منابع مالی شرکت ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است. متوسط بازده دارایی ها در شرکت های مورد بررسی ۰.۱۳۳ می باشد که با توجه با انحراف معیار (۰.۱۱۸) از نوسان پذیری بالایی برخوردار است. با توجه به پندل ب نیز نتایج نشان می دهد که در ۵۲.۵٪ شرکت های مورد بررسی حسابرس مستقل شرکت در صنعت مورد فعالیت شرکت دارای تخصص هستند و ۲۵.۵٪ شرکت های مورد بررسی حسابرس مستقل شرکت جزء موسسات بزرگ است.

آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

داده های این پژوهش از نوع ترکیبی می باشد. قبل از تخمین مدل ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می شود. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵ درصد است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که احتمال F لیمر مدل پژوهش کمتر از ۵٪ می باشد لذا برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می شود. همچنین با توجه به اینکه احتمال آزمون هاسمن در مدل پژوهش کمتر از ۵٪ می باشد لذا از الگوی اثرات ثابت به منظور تخمین مدل های پژوهش بهره گرفته می شود.

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نتیجه	احتمال	آماره	آزمون	مدل پژوهش
روش تابلویی	۰.۰۰۰۰	۲۸.۷۳۲۱	F لیمر	
الگوی اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۸۴.۱۹۸۷	هاسمن	

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

یک متغیر، وقتی ماناست که میانگین، واریانس و کوارینانس آن در طول زمان ثابت باقی بماند. به طور کلی اگر مبدأ زمانی یک متغیر، تغییر کند و میانگین و واریانس و کوارینانس تغییری نکند، در آن صورت متغیر ماناست و در غیر این صورت متغیر، نامانا خواهد بود. متغیرهایی که احتمال حاصل از آزمون آن ها، کمتر از ۵ درصد باشد، فرضیه صفر در مورد آن رد شده و آن متغیر در سطح ماناست. در صورتی که بیشتر از ۵ درصد باشد، نامانا است. نتایج آزمون مانایی در جدول (۳) درج گردیده است. بر اساس آزمون لوین، لین و چو، چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا ۹ بوده اند. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کوارینانس متغیرها بین سال های مختلف ثابت بوده است. همانگونه که در جدول (۳) ملاحظه می شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم جمعی ۱۰ وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	لوین، لین و چو		نماد	متغیرها
	احتمال	آماره		
مانا	0.0000	-9.0567	VC	ایجاد ارزش شرکت
مانا	0.0000	-26.4006	INDSPED	تخصص حسابرِس در صنعت
مانا	0.0000	-14.0622	SEPCOM	تخصص مالی کمیته حسابرِس
مانا	0.0000	-9.3946	BIG	اندازه موسسه حسابرِس
مانا	0.0000	-26.7870	INDCOM	استقلال کمیته حسابرِس
مانا	0.0000	-19.8893	AFEE	حق الزحمه موسسه حسابرِس
مانا	0.0000	-5.1319	RCA	بازده دارایی ها
مانا	0.0000	-18.3205	Leverage	اهرم مالی
مانا	0.0000	-22.7260	Size	اندازه شرکت

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه:

فرضیه اصلی:

- ۱- ویژگی های حسابرِس مستقل بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.
- ۲- ویژگی های کمیته حسابرِس بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

فرضیه فرعی

- ۱- حق الزحمه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.
- ۲- اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.
- ۳- تخصص حسابرس در صنعت بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.
- ۴- استقلال کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.
- ۵- تخصص مالی کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل پژوهش

$VC_{it} = \alpha + \beta_1 AFEE_{i,t} + \beta_2 INDSEPC_{i,t} + \beta_3 BIG_{i,t} + \beta_4 INDCOM_{i,t} + \beta_5 SEPCOM_{i,t} + \beta_6 LNTA_{i,t} + \beta_7 LEVERAGE_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \epsilon_i$					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	۱.۵۸۱۰۱۴	۰.۶۰۵۶۹۷	۲.۶۱۰۲۳۹	۰.۰۰۹۴
تخصص حسابرس در صنعت	INDSPED	۰.۲۱۳۲۴۹	۰.۰۷۷۶۶۳	۲.۷۴۵۸۱۳	۰.۰۰۶۳
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۰.۲۹۱۰۸۴	۰.۰۳۱۳۱۰	۹.۲۹۶۸۹۲	۰.۰۰۰۰
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۱.۰۵۸۴۶۲	۰.۱۹۰۵۷۳	۵.۵۵۴۰۸۹	۰.۰۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	INDCOM	۰.۹۳۶۱۳۴	۰.۲۳۳۵۰۶	۴.۰۰۹۰۴۴	۰.۰۰۰۱
تخصص مالی کمیته حسابرسی	SEPCOM	۰.۰۹۷۹۲	۰.۰۱۴۳۶۷	-۰.۶۸۱۵۹۹	۰.۰۰۰۴
بازده دارایی ها	ROA	۰.۸۳۰۶۸۳	۰.۲۳۰۴۷۱	۳.۶۰۴۲۸۱	۰.۰۰۰۳
اهرم مالی	Leverage	۰.۴۹۴۳۲۱	۰.۲۰۲۰۹۴	۲.۴۴۶۰۰۳	۰.۰۱۴۸
اندازه شرکت	Size	-۰.۱۴۷۴۹۱	۰.۰۳۷۴۴۶	-۳.۹۲۸۷۳۵	۰.۰۰۰۱
ضریب تعیین تعدیل شده		0.498			
دوربین-واتسون		1.969			
آماره F		126.993			
احتمال (آماره F)		0.0000			

فرضیه ۱: ویژگی های حسابرس مستقل بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۱-۱: تخصص حسابرس در صنعت بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱,۹۶۹ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۴۹,۸٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که با توجه به آماره t در سطح اطمینان ۹۵٪، بازده دارایی ها و اهرم مالی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند در حالی که اندازه شرکت بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر منفی و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تخصص حسابرس در صنعت، ۰.۲۱۳۲۴۹ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت تخصص حسابرس در صنعت بر ایجاد ارزش شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تخصص

حسابرس در صنعت در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱-۱ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که تخصص حسابرس در صنعت بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت وجود تخصص حسابرس در صنعت، ارزش شرکت افزایش می یابد.

فرضیه ۱-۲: حق الزحمه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴) بهره گرفته شده است. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر حق الزحمه حسابرسی، ۰.۲۹۱۰۸۴ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت حق الزحمه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱-۲ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که حق الزحمه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش حق الزحمه حسابرسی، ایجاد ارزش شرکت افزایش می یابد.

فرضیه ۱-۳: اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴) بهره گرفته شده است. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر اندازه موسسه حسابرسی، ۱.۰۵۸۴۶۲ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر اندازه موسسه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱-۳ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت بزرگ بودن اندازه موسسه حسابرسی، ایجاد ارزش شرکت افزایش می یابد.

فرضیه ۲: ویژگی های کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر گذار است.

فرضیه ۲-۱: استقلال کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴) بهره گرفته شده است. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی، ۰.۹۳۶۱۳۴ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت استقلال کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲-۱ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که استقلال کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش استقلال کمیته حسابرسی، ایجاد ارزش شرکت افزایش می یابد.

فرضیه ۲-۲: تخصص مالی کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول (۴) بهره گرفته شده است. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی ۰.۰۹۷۹۲ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت تخصص مالی کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲-۲ را تأیید کرد این موضوع نشان دهنده این است که تخصص مالی کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به

عبارت دیگر، با افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی، ایجاد ارزش شرکت افزایش می یابد.

پژوهش حاضر در پی پاسخی به این سؤال است که ویژگی های حسابرس و کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تأثیری دارد؟ در این راستا دو فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی تدوین گردید که با استفاده از مدل ها و روش های آماری تشریح شده، آزمون گردید. خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش به شرح زیر می باشد:

جدول (۵): خلاصه نتایج فرضیه های پژوهش

فرضیه	شرح فرضیه	نتیجه	نوع تأثیر
فرضیه ۱-۱	تخصص حسابرس در صنعت بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه	مثبت
فرضیه ۲-۱	حق الزحمه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه	مثبت
فرضیه ۳-۱	اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.	تأیید فرضیه	مثبت
فرضیه ۱-۲	استقلال کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.	تأیید فرضیه	مثبت
فرضیه ۲-۲	تخصص مالی کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر دارد.	تأیید فرضیه	مثبت

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهد که ویژگی های حسابرس (تخصص حسابرس در صنعت، حق الزحمه حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی) بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش ویژگی های حسابرس، ایجاد ارزش شرکت نیز افزایش می یابد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط سری و سلیمون (۲۰۱۹) مطابقت دارد. از لحاظ تئوریک استدلال می شود که افزایش ویژگی های حسابرس منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه تأثیر مثبت بر ارزش ایجاد شده سهامداران و درآمد می شود. سهامداران به تجزیه و تحلیل صورت های مالی وابسته هستند و کیفیت حسابرسی برای ارزیابی کیفیت سود افشا شده و اینکه آیا این اطلاعات درآمد واقعی را نشان می دهند یا خیر، اطلاعات مفیدی را ارائه می دهد؛ که به ویژگی های حسابرس مرتبط است؛ بنابراین استدلال می شود که ویژگی های حسابرس بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبتی داشته باشد که نتایج تجربی آمده در پژوهش حاضر نیز مؤید همین موضوع است.

نتایج همچنین نشان می دهد که ویژگی های کمیته حسابرسی (تخصص مالی حسابرس و استقلال کمیته حسابرسی) بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش ویژگی های کمیته حسابرسی، ایجاد ارزش شرکت نیز افزایش می یابد. این یافته ها با نتایج پژوهش انجام شده توسط سری و سلیمون (۲۰۱۹) مطابقت دارد. این یافته ها را می توان این گونه تفسیر کرد که تصمیمات مدیران و سرمایه گذاران در راستای افزایش بازده و ثروت است. تصمیمات سرمایه گذاری، تأمین مالی و تقسیم سود شرکت ها باید به نحوی اتخاذ شود که ارزش شرکت را افزایش دهد، این تصمیمات به طور قطع نیازمند اعتماد هایی است که توسط یک سازمان قابل اعتماد، تایید شود. از لحاظ تئوریک استدلال می شود که افزایش ویژگی های کمیته حسابرسی منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه تأثیر مثبت بر ارزش ایجاد شده سهامداران و درآمد می شود. سهامداران به تجزیه و تحلیل صورت های مالی وابسته هستند و کیفیت حسابرسی برای ارزیابی کیفیت سود افشا شده و اینکه آیا این اطلاعات درآمد واقعی را نشان می دهند یا خیر، اطلاعات مفیدی را ارائه می دهد؛ که به ویژگی های کمیته حسابرسی مرتبط است؛ بنابراین استدلال می شود که ویژگی

های کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبتی داشته باشد که نتایج تجربی آمده در پژوهش حاضر نیز مؤید همین موضوع است.

یافته های فرضیه ۱ نشان می دهد که ویژگی های حسابرسان برای ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد. در همین راستا، به مدیران شرکت پیشنهاد می شود که به منظور بهبود ایجاد ارزش شرکت و افزایش ثروت سهامداران، حسابرسان مستقل با کیفیت بالایی را جهت حسابرسی صورت های مالی شرکت انتخاب کنند و در ضمن به منظور تدوین کنندگان قوانین و مقررات پیشنهاد می شود در راستای تدوین قوانین اثربخش و بهبود عملکرد بازار سرمایه، یافته های این پژوهش را مدنظر قرار دهند.

یافته های فرضیه ۲ نشان می دهد که ویژگی های کمیته حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر مثبتی دارد. در همین راستا، به تدوین کنندگان قوانین و مقررات پیشنهاد می شود در راستای تدوین قوانین اثربخش و بهبود عملکرد بازار سرمایه، یافته های این پژوهش را مدنظر قرار دهند.

به منظور انجام پژوهش های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

- الف- بررسی تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش آفرینی شرکت با تأکید بر عدم اطمینان محیطی
- ب- بررسی تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر ارزش آفرینی شرکت با تأکید بر نوع صنعت
- ج- بررسی تأثیر ساختار هیأت مدیره و کمیته حسابرسی بر ارزش آفرینی شرکت با تأکید بر توانایی مدیریت

منابع

ابراهیمی کردلر، علی، جوانی قلندری موسی، کیانوش گنجی، کیانوش (۱۳۹۵) تاثیر انحصار یا رقابت صنعت بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل " فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی - مقاله ۶، دوره ۱۳، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۴۱-۱۶۹

اسدی، لیلا؛ واعظ، سید علی؛ جرجرزاده، علیرضا؛ کعب عمیر، احمد (۱۳۹۷). تاثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکت های دارویی و غیردارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه حسابداری سلامت، سال هفتم، شماره ۱.

ارباب سلیمانی، عباس (۱۳۸۴). نحوه تهیه و تنظیم صورت های مالی از مدارک ناقص. سازمان حسابرسی، چاپ ۱۱، ص ۶۴

غلامی گاکیه، فردین (۱۳۹۰). تاثیر انعطاف پذیری مالی بر میزان سرمایه گذاری و ارزش آفرینی شرکت ها. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، دانشکده امور اقتصادی.

کریمی، فاطمه، ۱۳۹۶، تاثیر ویژگی های شرکتی بر ارزش آفرینی شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، هشتمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و پنجمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق

موسوی جلالیه، سید میلاد؛ ناصر ریاحی نسب و اصغر سلطانی، ۱۳۹۸، تاثیر سرمایه فکری بر هزینه سرمایه و حقوق صاحبان سهام و ارزش و ارزش آفرینی شرکت، اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

Elder, R.J., Zhang, Y., Zhou, J. and Zhou, N. (2009). "Internal control weaknesses and client risk management", Journal of Accounting, Auditing and Finance, Vol. 24, No. 4, pp. 543-579

- Ferguson, Michael J, Gim Seow, and Danqing Young. (2004). «Nonaudit Services and Earnings Management: U.K. Evidence». Contemporary Accounting Research, Vol. 38.
- Hall, J. H. (2016). Industry-specific determinants of shareholder value creation. Studies in Economics and Finance, 33(2): 190-208
- Hogan, C.E. and M.S. Wilkins. 2008. Evidence on the audit risk model: do auditors increase audit fees in the presence of internal control deficiencies? Contemporary Accounting Research 25 (1): 219-242
- Karajeh, A.I., Ibrahim, M. (2012). Impact of Audit Committee on the Association Between Financial Reporting Quality and Shareholder Value. American International International Journal of Economics and Financial Issues, 7(3), 14-19.
- Kothari, S.P., Leone, A.J. and Wasley, C.E. (2005), "Performance matched discretionary accrual measures", Journal of Accounting and Economics, Vol. 39 No. 1, pp. 163-197.
- Krishnan, G. 2003a. Does big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? Accounting Horizons 17: 1-16.
- Kumar, J. (2003). Does Ownership Structure Influence Firm Value? Evidence form India, Working paper, [Online]. www.ssrn.com.
- Lin, Z. J.; and M. Liu (2009), "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China", Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, pp. 44-59.
- Magee, R., and M. Tseng. 1990. "Audit pricing and independence". The Accounting Review 65 (2):315-336.
- Ohlson, J. (2005). On accounting-based valuation formulae. Review of Accounting Studies., Vol.10 (2): 323-347.
- Palmrose. Z. 1988. "An Analysis Auditor Litigation and Audit Service Quality". The Accounting Review. Vol. 64, No.1: 55-73
- Lowensohn, S. H., Reck, J., Casterella, J. R., & Lewis, B. (2007). An Empirical Investigation of Auditor Rotation Requirements. <http://ssrn.com/abstract=1021789>.
- Watts, R.L. and Zimmerman, J.L. (1986), Positive Accounting Theory, Prentice-Hall Inc., Englewood Cliffs, NJ.
- Wilson, Earl R., Hay, Leon E. & Kattelus, Susan C (1999), Accounting for governmental and nonprofit entities, Irwin: McGraw-Hill

The impact of the characteristics of the independent auditor and the audit committee to create value for the company

Akbar Asghar hasani ¹

Davood Gorgizadeh ^{*2}

Maryam Safarpour ³

Date of Receipt: 2021/10/22 Date of Issue: 2021/11/21

Abstract

The purpose of this study is the effect of the characteristics of the independent auditor and the audit committee on the value creation of the company. Research Methodology: This research is a descriptive research in terms of applied purpose and in terms of nature with emphasis on correlation relations. The data required to calculate the research variables have been extracted from the "Rahavard Novin" database. In order to achieve this goal, 931 year-companies (133 companies for seven years) observations collected from the annual financial reports of companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2014 to 2020 have been tested. Regression models were used to test the research hypotheses. Using composite data, regression models can be estimated in two ways (combined and panel). In order to determine the estimation method, F-Limer test was used and if the panel method is used, one of the two forms of fixed effects and random effects model can be performed. In order to determine the type of model, Hausman test was used. Findings show that the findings of Hypothesis 1 show that the characteristics of an independent auditor have a positive effect on the value creation of the company and the findings of Hypothesis 2 show that the characteristics of the audit committee have a positive effect on the value creation of the company. Conclusion: From the present study, it can be concluded that the characteristics of independent auditor and audit committee have a positive effect on company value creation. In this regard, it is suggested to company managers that in order to improve company value creation and increase shareholder wealth, independent auditor with Choose high quality to audit the company's financial statements and in addition to the rules and regulations, it is recommended to consider the findings of this study in order to formulate effective rules and improve the performance of the capital market.

Keywords

characteristics of the independent auditor, audit committee, value creation of the company.

1. Master of auditing student naser khosrow higher education institute'saveh' Iran. (asgharhasani.a@hnhk.ac.ir)
2. Teacher of accounting and management group'naser khosrow higher education institute/saveh/ Iran(d.gorgizadeh@hnhk.ac.ir)
3. Teacher of accounting and management group'naser khosrow higher education institute/saveh /Iran(m.safarpour@hnhk.ac.ir)